

"اونور آب!"

در این وانفسای اقتصادی ایران که بهبود در گرو خلق روش‌های نوین و راهکارهای علمی و نوآورانه است، نوآوران عرصه علم و پژوهش چمدان‌های خود را چرا بسته‌اند؟



کشورمان همواره تحت تأثیر تحریم‌های تجاری و بازرگانی قرار داشته است، اما به هر تقدیر در حوزه‌های مذکور، سعی بر آن بوده تا از طریق واسطه‌های خارجی، به اصطلاح تحریم‌ها "دور" زده شوند. در این میان، تنها هزینه‌های اقتصادی کشورمان افزایش یافته‌اند.

اما تحریم‌های علمی، بر خلاف تحریم‌های بازرگانی هستند و تا به حال، راهی برای رفع آنها ارایه نشده است. این گونه تحریم‌ها سبب شده‌اند تا نخبگان کشور توانایی شرکت در کنفرانس‌ها و همایش‌های بین‌المللی را نداشته باشند و از این منظر، کشورمان به یک عقب‌ماندگی علمی و تکنولوژیکی دچار شود. حال آن که اقتصادی سر پا خواهد بود که مبنایش را بر اساس علم پایه‌گذاری کرده باشد. تحریم‌های موجود علاوه بر عقب‌ماندگی علمی، واردات تکنولوژی را هم به کشور مختل کرده‌اند و به جرأت می‌توان گفت که کشورهای غربی با این اقدام، توسعه اقتصادی کشور را هدف قرار داده‌اند. به عنوان مثال، بنگرید به مشکلات تکنولوژیکی حال حاضر صنایع نفت و گاز کشور علیرغم آن که ایران از ذخایر نفتی و گازی عظیمی برخوردار است، اما به دلیل فقدان تکنولوژی مناسب، قادر به استخراج منابعی که در اعماق چندصد متری قرار دارند نیست و این مسأله، درآمد‌های مستقیم دولت را تحت تأثیر قرار داده است. در نتیجه این امر، سرمایه‌گذاری‌های عمرانی، تولید و به تبع آن رفاه اجتماعی کاهش یافته است. بر اساس گزارش بانک جهانی، در حال حاضر دو کشور آمریکا و کانادا بیشترین واردات نیروی نخبه را در جهان از آن خود کرده‌اند. افزایش مشکلات اقتصادی و اجتماعی ایران در سال‌های اخیر، بسیاری از نخبگان را راهی کشورهای مذکور نموده است. بر اساس آمارهای بین‌المللی ورود نیروی متخصص انسانی و نخبه ایرانی به کشورهای کانادا و آمریکا در سال گذشته به ترتیب معادل ۱۴۲ و ۵۲ درصد افزایش یافته است.

جوانان مستعد و نخبه ایرانی در حال گریز هستند. چه عاملی منجر به تشدید مهاجرت نخبگان این خاک می‌شود؟ چه کرده‌ایم که ظرفیت‌های رشد و ارتقای علمی کشور اینگونه عزم سفر کرده‌اند؟ از چه وظایفی غافل بوده‌ایم؟

بر اساس رده‌بندی صندوق بین‌المللی پول (IMF)، ایران در رتبه اول جهانی خروج نخبگان جوان در جهان قرار دارد. فضای معیوب کسب و کار، وضعیت نابسامان اشتغال به همراه حقوق‌ها و دستمزدهای ناچیز، تنها بخشی از مشکلات نخبگان ایرانی است. این مسائلی به اضافه فقدان برخورداری از شخصیت مناسب اجتماعی و حمایت‌های معنوی از نخبگان، انگیزه‌های این قشر را در مهاجرت به کشورهای خارجی فراهم آورده و به دلیل عدم برنامه‌ریزی منسجم جهت مرتفع نمودن این مشکلات، متأسفانه شاهد آن هستیم که حجم بسیار بالایی از نخبگان کشور، راه خروج از ایران را در پیش گرفته‌اند.

بر اساس گزارش IMF، سالانه رقمی در حدود ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار نخبه ایرانی از کشور خارج می‌شوند که این رقم، بسیار تأسف برانگیز است. بر اساس گزارش بانک جهانی، هزینه‌ای که از خروج نخبگان ایرانی به کشورمان تحمیل می‌شود، در حدود ۵۰ میلیارد دلار در سال است که بر اساس محاسبات واحد تحقیقات «اقتصاد ایران»، این رقم در حدود ۱۲/۸ درصد محصول ناخالص داخلی (GDP) است. البته باید اذعان داشت که خروج نخبگان، تحصیلکردگان و در کل، نیروی کارآمد و متخصص انسانی از کشور، اگر موقتی باشد و با علم‌آموزی و انتقال دانش به کشورمان همراه شود، نه تنها نكوهیده نیست، بلکه بسیار ارزشمند تلقی می‌شود. اما گزارشات جهانی نشان می‌دهند که تنها ۳ درصد از ایرانیانی که از کشور خارج شده‌اند پس از پایان تحصیلاتشان به کشور باز می‌گردند. متأسفانه چند سالی است که به دلیل افزایش مشکلات اقتصادی و اجتماعی، علاوه بر نخبگان جوان، سایر اقشار تحصیلکرده کشور نیز راه خروج از کشور را در پیش گرفته‌اند.

شاه‌کلید این مشکل و مشکلاتی مانند آن را باید در زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی کشور جست‌وجو کرد. آموزش در کشور ما کتابخانه‌ای شده است و هیچ‌گاه شاهد آن نیستیم که اقتصاد و صنعت کشور، تولیدات خود را بر پایه بهره‌گیری از علم بنا نهند. واحدهای تحقیق و توسعه (R&D) در مؤسسات تولیدی و خدماتی ایرانی تقریباً معنایی ندارند، حال آن که چنین واحدهایی در کشورهای پیشرفته دنیا، نه تنها یک الزام به شمار می‌روند، بلکه عدم وجود آنها، به منزله شکست در بازار تلقی می‌شود. البته باید اذعان داشت

که بر اساس بند ۲۰ قانون بودجه سال ۸۸ مصوب مجلس شورای اسلامی و بند ۹ ضوابط اجرایی بودجه ۸۸ هیأت وزیران، تمامی شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی موظفند حداقل یک درصد از درآمد عملیاتی خود را با تأیید معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، صرف امور پژوهشی کنند. اگرچه مصوبه مذکور ستونی است، اما کافی نیست و به دلیل مشکلات بی‌شمار اقتصادی، به طور حتم باید توجهات بیشتری را به این امر معطوف کرد تا شاهد رشد و شکوفایی اقتصاد کشور باشیم. از سوی دیگر، پایبندی به همین درصد و کیفیت آن زیر سؤال است.

زیر سایه تحریم‌ها

در سایه‌سار مشکلات متعدد نخبگان کشور، مواجهه با تحریم علمی، محرک منفی دیگری برای رشد خروج نخبگان از کشور است. اگرچه در سال‌های اخیر، اقتصاد

ثابت اختراعات علمی در جهان		اختراعات در فناوری نانو	
رتبه	کشور	رتبه	کشور
۱	ژاپن	۱	آمریکا
۲	سوئیس	۳	ژاپن
۳	فنلاند	۶	کره جنوبی
۴	آمریکا	۱۰	رژیم صهیونیستی
۷	تایوان	۱۶	چین
۳۱	مالزی	۱۸	هند
۷۵	ایران	۴۲	ایران
۷۶	الجریز	۴۴	رومانی
۷۸	ویتنام	۴۶	عربستان

حمایت قانونی نداریم

علاوه بر تمام مشکلات ساختاری اقتصاد که با تأثیر مستقیم خود، منجر به فراهم آمدن شرایط خروج نخبگان از کشور می‌شود، مسائلی قانونی و کاستی‌های حمایتی که از فقدان قوانین جامع ناشی می‌شوند، مزید بر علت شده‌اند. معلول این حقیقت، گریز اندیشه‌های روشنی است که ظرفیت تعالی و رشد علمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را دارا می‌باشند. با نگاهی به سرقت‌های علمی و هنری که در کشور ما رایج هستند، ضعف علم حمایت قانونی و قضایی در این رابطه مشهود است. مؤلفان، مخترعان، مصنفان و دست‌اندرکاران فعالیت‌های رایانه‌ای از قبیل تولید نرم‌افزارهای کامپیوتری تخصصی در ایران از امنیت و حمایت جامعی برخوردار نیستند. شاهد

استخراج: «اقتصاد ایران» از سازمان جهانی مالکیت فکری و اکونومیست بر این ادعا دسترسی آسان و ارزان به انواع لوح‌های فشرده

تدبیر و راهکار

با توجه به مشکلات ریز و درشت حال حاضر نخبگان و از آنجا که تحقیق و پژوهش در ایران ارزش بالایی ندارد، تحول اساسی در نظام آموزشی و پژوهشی کشور از مهمترین اقداماتی است که باید هرچه سریع‌تر به انجام برسد. برای این منظور باید اعتبارات و تسهیلات مورد نیاز تحقیق و پژوهش در کشور افزایش یابد. در حال حاضر، کشورهای توسعه‌یافته‌ای همچون آمریکا، کانادا، ژاپن و کشورهای حوزه اسکانندیناوی، رقمی نزدیک به ۱۰ درصد GDP خود را به اعتبارات تحقیقاتی تخصیص می‌دهند. چنین اعتباراتی در کشور ما تنها ۰/۷ درصد GDP است. البته این مسأله را هم باید توجه داشت که به هیچ وجه نباید تنها تولید علم کتابخانه‌ای را مدنظر قرار داد. بی‌شک، علمی که ارزش تولید ثروت را نداشته باشد، دردی از اقتصاد دوا نخواهد کرد. در کنار این مسأله و تخصیص بودجه‌های سالانه و مناسب تحقیقاتی، باید جایزه‌های مناسبی نیز برای پروژه‌های تحقیقاتی "اقتصادمحور" تعیین گردد تا این پروژه‌ها، ابداعات و اختراعات بتوانند جهت تولید انبوه صنایع کشور مورد استفاده قرار گیرند و علاوه بر ارزش‌آفرینی در علم، اقتصاد و صنعت کشور را هم توسعه داده و به موازات این دو اقدام، انگیزه خروج نخبگان را از کشور کاهش دهند. بیایید به اصطلاح "با یک تیر، ۳ نشان بزیم." ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با «فرش‌های گسترده برای نخبگان ایرانی» در صفحات ۳۰ - ۳۳ می‌خوانیم.

برنامه‌های کامپیوتری در بازارهای کشور است. در کشور ما، نظامی قانونمند جهت حمایت از ثبت اختراع و اکتشاف وجود ندارد. این معضل سبب شده تا بسیاری از افراد از ارایه افکار خود واهمه داشته باشند. متأسفانه علیرغم توانایی‌های بسیار بالای نخبگان ایرانی، کشورمان در ثبت اختراعات و ابداعات بین‌المللی جایگاه مناسبی ندارد و تنها با نمره ۳/۶۵ از ۱۰ در میان کشورهای جهان، رده ۷۵ را به خود اختصاص داده است. فقدان شایسته‌سالاری و وجود برخی افراد فاسد در اقتصاد و جامعه در تشدید مشکلات فوق‌بی‌تأثیر نبوده است. طبیعتاً عدم شایسته‌سالاری منجر به دلسردی نخبگان و انزوای آنان می‌شود و جامعه از حضور اندیشمندان آن محروم خواهد شد. البته نباید اینگونه تصور شود که ایران آخر دنیا است و آمار و ارقام را مؤیدی بر این مطلب قلمداد کنیم. هدف، اصلاح امور است، نه ذکر مصیبت. با استناد به همین آمار و ارقام درمی‌یابیم که کشورهایی نظیر روسیه سفید، رومانی و تایلند و بسیاری کشورهای دیگر اوضاع بدتری هم نسبت به ما دارند، اما باید برای کشوری چون ایران با سوابق تاریخی علمی و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، نگاه به رقبای قدرتمند ملاک باشد نه کشورهای محروم.

تحقیق و پژوهش در جهان

کشور	هزینه تحقیق توسعه درصدی از GDP	محقق در هر یک میلیون نفر
ایسلند	۳/۰	۶,۸۰۷
آمریکا	۲/۷	۴,۶۰۵
روسیه	۱/۲	۳,۳۱۹
ترکیه	۰/۷	۳۴۱
اردن	-	۱,۹۲۷
ایران	۰/۷	۱,۲۷۹
ویتنام	۰/۲	۱۱۵
اندونزی	۰/۲	۴۹۳

استخراج: «اقتصاد ایران» از سازمان ملل

قانون اساسی و هدفمندی یارانه‌ها

"قانونی بر نقض قانون مادر"



تحلیل دکتر سید محمود کاشانی، حقوق‌دان و استاد دانشگاه شهید بهشتی

جهت، خلاف صریح قانون اساسی است. از این رو به هنگام آغاز بحث از لایحه دولت در مجلس، نگارنده در مقاله‌ای تبعیض‌آمیز بودن لایحه دولت را مورد انتقاد قرار داد.

خزانه‌داری موازی

اندیشه‌ای که در قانون دولت دنبال شده این است که درآمد ناشی از حذف تدریجی یارانه‌ها به یک صندوق ویژه واریز شود و دولت اجازه داشته باشد موجودی این صندوق را به دهک‌های درآمدی پایین جامعه که گاه از آنها به جامعه هدف تعبیر کرده‌اند پرداخت کند. تأسیس این صندوق نیز برخلاف قانون اساسی است، زیرا بر پایه اصل ۵۳ قانون اساسی، همه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شوند و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرند. بنابراین تأسیس این صندوق به موازات خزانه‌داری کل کشور و به عنوان رقیبی برای آن نیز خلاف صریح قانون اساسی است. به دیگر سخن، نمی‌توان درآمدهای عمومی کشور را در اختیار رییس جمهور یا هیأت وزیران قرار داد که منابع آن را هر گونه که می‌خواهند و به هر فردی یا هر گروه درآمدی به تشخیص خود پرداخت کنند. این برخلاف اصول مردم‌سالاری و ضرورت کنترل دخل و خرج کشور از سوی مجلس است که قانون اساسی مشروطیت و جمهوری اسلامی ایران به آن

از هنگامی که لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها در سال ۸۷ به مجلس تقدیم شد تا زمانی که لایحه مذکور به قانون تبدیل شد، معنای روشن و دقیقی از آن بیان نشده و از این رو تفسیرهای گوناگونی از آن در رسانه‌ها مطرح گردیده است. از آنجا که یارانه‌های پرداخت شده در سال‌های اخیر به ارقام نجومی رسیده و رقمی بالغ بر ۱۱۰ هزار میلیارد تومان در سال برآورد شده و با توجه به این که بخش عمده این یارانه‌ها در بخش انرژی مانند بنزین و گاز طبیعی به جیب گروه‌های با درآمدهای بالا در کشور سرازیر می‌شود، دولت به این فکر افتاده است که جریان پرداخت این یارانه معکوس شود و به گروه‌های کم درآمد که ۷۰ درصد جمعیت کشور هستند پرداخت گردد. بر همین پایه در لایحه دولت و قانون مصوب مجلس سخن از "دهک‌های درآمدی" پایین جامعه و حتی "خوشه‌بندی" به میان آمده است. لایحه تقدیمی دولت - که حالا به قانون تبدیل شده - از اول با یک ایراد اساسی رویه‌رو بود و آن این که درآمدهای کشور، خواه ناشی از فروش نفت و گاز و یا درآمدهای مالیاتی که به خزانه کشور باید واریز شوند متعلق به عموم شهروندان کشور است و دولت نمی‌تواند با حذف تدریجی یارانه‌ها، درآمدهای ناشی از صرفه‌جویی در پرداخت نکردن یارانه را به گروه‌های خاصی از جامعه اختصاص دهد. این یک تبعیض آشکار است و تبعیض یک ستم آشکار بوده و فساد برانگیز است. بندهای ۹ و ۱۴ اصل سوم و اصل‌های ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هرگونه تبعیض ناروا را ممنوع کرده و برابری شهروندان در برابر قانون را مورد تأکید قرار داده‌اند. این اصول پیشرفته دستاورد جهان بشری هستند و از نکات مثبت درخشان قانون اساسی به شمار می‌روند. بنابراین لایحه دولت و قانون یارانه‌ها از این